



ظریف از حذف دلار از ۳۵ درصد مبادلات ایران و ترکیه خبر داد

اینستکس پاسخ مناسب به ایران نیست

گروه اقتصاد: در سالی که با نام رونق تولید نام‌گذاری شده است، مراسم بزرگداشت روز صنعت و معدن با حضور تقریباً دوسوم اعضای کابینه در سالن اجلاس سران برگزار شد. امسال اما ویژگی دیگری هم داشت. تحریم‌های آمریکا بخش...

صفحه ۴

سه‌شنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۸ • ۲۸ شوال ۱۴۴۰ • ۲ جولای ۲۰۱۹

تنترها

میلیاردها تومان به جیب ریخته‌گران ریخته شد

صفحه ۵

فیلتر ۸ساله تنها منبع رسمی آثار شهید بهشتی

صفحه ۲

اینستکس از ابزار تجاری تا مهره سیاسی

صفحه ۳

وجه اشتراک استراماچونی، کالدرون و پپ گواردیولا

صفحه ۱۴

واکنش عطریانفر به طرح موضوع نزدیکی کارگزاران به لاریجانی:

این گزاره از اساس باطل است

صفحه ۲

عرض حال

راه سوم مقابله با جنگ

غلامرضا نظربلند . تحلیلگر



سیاست اعمال فشار حداکثری دونالد ترامپ که هدف اعلامی آن آوردن ایران پای میز مذاکره است، با وجود بعضی بالا و پایین شدن‌ها و پیشروی‌ها و عقب‌نشینی‌های تاکتیکی همچنان راه خود را می‌رود. درباره فرجام سیاست مزبور گمانه‌زنی‌ها گوناگون است و درباره اینکه راهبر ایران برای به‌شکست‌کشاندن آن چه باید باشد، اختلاف‌نظر وجود دارد. برای ورود به این بحث ضروری است که در مرحله نخست مفروضاتی را مطمحن نظر قرار دهیم. ازجمله آنکه هدف از اعمال سیاست فشار حداکثری این است که ایران آن‌چنان تضعیف شود که به مذاکره با آمریکا تحت شرایط موردنظر این کشور تن دردهد و در غیر این صورت، آمریکا به‌راحتی بتواند با ایران ضعیف‌شده با داغ و درفش سخن بگوید و این کشور را با حمله نظامی مقهور اراده خود کند. اعمال سیاست مزبور با این مفروض، تهران را به کنج دیوار می‌برد و به‌این‌ترتیب، راه برون‌رفت را بر آن می‌بندد و ناچارش می‌کند تا بین دو گزینه فاقد ترجیح بلامرجح آن ضرب‌المثل معروف، یکی را، مثلاً پرت‌شدن از گردنه، را برگزیند. تاآنجاکه به مفروض پیش‌گفته مربوط می‌شود، هرچند به‌راحتی نمی‌توان میزان وزانت آن را دقیق اندازه‌گیری کرد اما شوربختانه شواهد و قرائن متعدد و گوناگون، صحت کلی آن را تایید می‌کنند. از این‌رو باید بر مبنای این مفروض راستی‌آزمایی‌شده راهبرد مناسب را برای مقابله با هجمه آچمزکننده‌ای که کشور دست‌به‌گریبان آن شده است، تدبیر کرد و نسخه‌ای معالجه‌یجید، درباره چستی تدبیر موردنظر هم نظرات گوناگون است؛ چراکه، خوانش‌ها گوناگون است. از دو دسته خوانش کاملاً متمایز موجود یکی را اعتقاد بر این است که گذشت زمان به نفع آمریکا رقم می‌خورد، دیگری را نتهتا چنین نظری نیست بلکه شمارش معکوس می‌کند. تا دوره ریاست جمهوری ترامپ به سر رسید و آن‌گاه اوضاع در چرخشی ۱۸۰درجه‌ای بر وفق مراد ایران رقم بخورد و به‌این‌ترتیب کشور از خطرناک‌ترین پیچی که کبان آن را تهدید می‌کند، عبور کند. راهکار رویکرد اخیر ناظر بر درپیش‌گرفتن سیاست «صبر کن و ببین (wait and see) یا نسخه بومی‌شده آن، «صبر انقلابی» است. اما راهکار رویکرد نخست به کلی متفاوت است و صبر در آن جایی ندارد.

ادامه در صفحه ۲



توافق کاهش تولید نفت، ۹ ماه تمدید شد

صف‌آرایی تحریمی‌ها در اوپک

روزانه ۷ میلیون بشکه نفت کشورهای عضو اوپک تحت تحریم است



امین‌زاده، معاون وزیر خارجه در دولت اصلاحات:

اولویت آمریکا حمله به ایران نیست

خطر حمله آمریکا به ایران منتفی نیست

صفحه ۶

یادداشت

مأموریت ویژه زنگنه در وین



علیرضا سلطانی
کارشناس اقتصاد انرژی

که از ابتدای تشکیل این سازمان بنای ناسازگاری با آن را داشت، وجود دارد بلکه این خطر عمدتاً از سوی برخی کشورهای عضو است که دانسته یا ندانسته به دلیل برخی منافع سیاسی زودگذر دوجانبه، سابقه، اعتبار و جایگاه اوپک را در عرصه بین‌المللی به خطر انداخته‌اند. ماندگاری اوپک و تداوم حضور فعال آن در عرصه جهانی متناسب با منافع اعضای سستی آن در گرو حفظ ساختار و وحدت سازمانی آن است؛ موضوعی که برخی اعضا در ماه‌های اخیر به آن بی‌توجهی کرده‌اند.

توافق سران روسیه و عربستان در حاشیه اجلاس گروه ۲۰ در اوزاکا، تأثیری در تصمیم اوپک در نشست ۱۷۶ نداشت، چراکه اعضا از قبل تصمیم به توافق گرفته بودند؛ اما در سطح سیاسی به معنای دوزدن اعضا و ترک تشریفات سنتی تصمیم‌گیری در اوپک تلقی شد که نمی‌تواند برای اوپک و اعضای آن پذیرفتنی باشد. هماهنگی و همکاری روسیه با اوپک در دو سال گذشته تا حد زیادی در راستای منافع طرفین بوده و به‌نوعی با نگرانی آمریکا همراه شده اما این همکاری نمی‌تواند با هـر هزینه‌ای، به‌ویژه بازی با اعتبار و جایگاه اوپک، همراه باشد؛ موضوعی که برای برخی کشورهای عضو اوپک، موقعیت اوپک در عرصه مناسبات و تعاملات نفت و انرژی اوپک بود که خیلی زود به مأموریت اصلی و ویژه نماینده ایران در اجلاس تبدیل شد. بهانه این مهم نیز توافق سران عربستان و روسیه بود که چند روز قبل از اجلاس اوپک در حاشیه نشست سران گروه ۲۰ اوزاکای ژاپن بر سر تداوم کاهش تولید نفت صورت گرفته بود. در کنار این متغیر، البته متغیر دیگری هم وجود داشت که از مدت‌ها قبل آثار و نشانه‌های آن به‌صورت فعال وجود داشت و آن تحرکات دولت آمریکا در ابتدا برای همراه‌کردن اوپک با سیاست‌های نفتی واشنگتن به‌ویژه در راستای تحریم نفتی ایران و ادامه خنثی‌کردن تحرکات و سیاست‌های اوپک به دلیل عدم همراهی کامل این نهاد بین‌المللی با ایالات متحده بود. دولت آمریکا سیاست خنثی‌کردن اوپک را به شیوه‌های مختلف از جمله نفوذ در اوپک و اعمال فشار بر برخی کشورهای عضو که سابقه اتحاد راهبردی با آن را دارد، مانند عربستان و امارات متحده همچنان دنبال می‌کند اما به دلیل تضاد منافع این دست از متحدان با آمریکا در حوزه‌های اقتصادی و بعضاً سیاسی، دولت آمریکا توفیقی تاکنون در این زمینه نداشته است؛ بنابراین تحرکات ضداوپکی دولت ترامپ همچنان فعال است و در آینده ممکن است به دلیل همراهی برخی کشورهای نفتی غیروپک، تشدید نیز شود. اما ماجرای تضعیف اوپک فقط به آمریکا باز نمی‌گردد؛ خطر واقعی برای اوپک نه از جانب آمریکا

یادداشت

از ۲۵ به ۸۰ میلیون جمعیت



احمد عظیمی بلوریان
استاد پیشین مریلند

در نوعی اسارت کار می‌کردند و حدود ۸۰ درصد درآمد اقتصادی آنها نصیب مالکان و بخش کوچکی از آن هم به کدخدا و عاملان مالکان می‌رسید. از آن هم به کدخدا و عاملان مالکان می‌رسید. تاریخ به بعد و به‌طور مشخص با پیشگامی واحدهای نیروی دریایی آمریکا که در خلیج‌فارس مستقر بودند و از جمله در جنگ نفت‌کش‌ها با کشورهای عربی همکاری داشتند، تحت فشار این کشورها شروع به استفاده از نام جعلی کردند. دستپای آمریکا به پایگاه‌های نظامی در این کشورها و همکاری فزاینده و متقابل با اعراب منطقه، بر تمایل ناوگان پنجم و بخشی از وزارت دفاع آمریکا به استفاده از این نام مجعول افزود. با تشدید جنگ سرد بین تهران و واشنگتن، تمایل به وانهادن نام تاریخی خلیج‌فارس، هرچند به کندی، به دیگر بخش‌های دولت فدرال نیز سرایت کرد و شاید به‌عنوان اهرم فشاری علیه ایران مدنظر قرار گرفت. این روند در دولت اوپاما اندکی تشدید شد و در سطوح عالی به استفاده گهگاه از اصطلاح «خلیج» انجامید؛ برای مثال اوپاما در سخنرانی مهم خود خطاب به منطقه در سال ۲۰۰۹ در دانشگاه قاهره، از اصطلاح «خلیج» استفاده کرد. هیلاری کلینتون، وزیر خارجه او نیز در ژوئن ۲۰۰۹ در بیانیه‌ای دیس راس را به‌عنوان مشاور وزارت خارجه در امور «خلیج» و آسیای غربی منصوب کرد. در دولت اوپاما حداقل در دو مورد نیز در سطح معاون سیاسی و نظامی وزارت خارجه آمریکا، در بیانیه‌ای هدف از فروش ۶۰ میلیارد دلار سلاح به عربستان را تحکیم امنیت «خلیج عربی» قلمداد کرد. متأسفانه دولت ترامپ به‌موازات دشمنی حداکثری با ایران، در مقایسه با دولت‌های پیشین آمریکا، ظاهراً استفاده از نام جعلی را در عالی‌ترین سطوح در دستور کار خود قرار داده است. مهم‌ترین تحولات سیاسی و نظامی چهار دهه گذشته، از جمله جنگ تحمیلی، جنگ کویت، حمله آمریکا به عراق و...، بیش از پیش زمینه‌ساز تمرکز فعالیت‌های دیپلماتیک و رسانه‌ای بین‌المللی بر خلیج‌فارس شده و چون کشورهای عربی بیشتر عرصه انجام این فعالیت‌ها بوده‌اند، از خلّال آن تحمیل نام مجعول نیز تسهیل شده است...

ادامه در صفحه ۴

برادر گرامی جناب آقای سید جواد موسوی
مصیبت وارده را به جناب‌عالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر آرزو می‌نمیدم.

مهدی رحمانیان – وحید معتمدنژاد

حسین علایی:

۲۰ سال بعد از انقلاب هزینه انبساط‌داری زمان شاه را می‌دادیم

گروه سیاست: فرمانده پیشین نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: آمریکایی‌ها تا زمانی که ایران در مدار قدرت آنها قرار نگیرد، تخلیه ظرفیت‌های قدرت ایران را در دستور کار قرار داده‌اند. «حسین علایی» در نشست «ایران و آرایش جنگی»...

صفحه ۶

سال شانزدهم • شماره ۳۴۶۴ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

نام «خلیج فارس» و امنیت ملی ما

کوروش احمدی . کارشناس روابط بین‌الملل



به‌کارگیری نام مجعول «خلیج عربی» از سوی بولتون، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، در سفر هفته گذشته‌اش به اسرائیل را می‌توان تسری بحران جاری در روابط ایران و آمریکا به این حوزه مهم دانست. البته این نخستین‌بار نیست که یک مقام ارشد دولت کنونی آمریکا از این نام مجعول استفاده می‌کند. ترامپ خود در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ و حین قرائت بیانیه‌ای کتبی درباره استراتژی ضدایرانی‌اش، همین نام مجعول را به کار برد. یک دلیل اهمیت این موضوع، این است که مقامات ارشد دولت‌های پیشین آمریکا هرگز از این نام مجعول استفاده نکرده بودند. این در حالی است که تا قبل از جنگ سرد بین ایران و آمریکا، نام خلیج‌فارس در همه سطوح دولتی و غیردولتی در آمریکا رواج کامل داشت. «هیئت نام‌های جغرافیایی آمریکا» (Board of Geographical Names) که نهاد فدرال عهده‌دار استاندارد و یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی برای استفاده در سطوح فدرال و ایالتی است، از ۱۹۱۷ به بعد همواره خلیج‌فارس را نام استاندارد و تاریخی پهنه آبی مربوطه دانسته است. این نهاد معتبر که در این حوزه پیشگام بوده و مبدع اصل «یک مکان، یک نام» است، محل رجوع طرف‌های غیرآمریکایی برای حل اختلافات درباره اسامی جغرافیایی نیز هست؛ حتی در سال ۱۹۹۱ که نیروی دریایی آمریکا در ارتباط با جنگ کویت در حال استقرار کشورهای عربی خلیج‌فارس بود، BGN درخواست فرماندهان این نیرو را که تحت فشار میزبانان خود خواستار تغییر نام خلیج‌فارس بودند، رد کرد. یکی از استدلال‌های BGN برای رد این درخواست، این بود که «هیچ کشوری راساً نمی‌تواند نام سنتی یک مکان جغرافیایی را که در ویرای حاکمیت ملی یک کشور خاص واقع است، تغییر دهد». علاوه بر BGN، دوایر ذی‌ربط در وزارت خارجه آمریکا، یعنی GGI و وزارت دفاع آمریکا، یعنی NSA نیز همواره به صورت رسمی بر اصالت و اعتبار نام خلیج‌فارس تأکید کرده‌اند. بر چنین مبنایی، نهادهای دولت‌های فدرال و ایالتی آمریکا تا اواخر دهه ۱۹۸۰ به نحوی مستمر و ثابت از نام خلیج‌فارس استفاده می‌کردند. از این تاریخ به بعد و به‌طور مشخص با پیشگامی واحدهای نیروی دریایی آمریکا که در خلیج‌فارس مستقر بودند و از جمله در جنگ نفت‌کش‌ها با کشورهای عربی همکاری داشتند، تحت فشار این کشورها شروع به استفاده از نام جعلی کردند. دستپای آمریکا به پایگاه‌های نظامی در این کشورها و همکاری فزاینده و متقابل با اعراب منطقه، بر تمایل ناوگان پنجم و بخشی از وزارت دفاع آمریکا به استفاده از این نام مجعول افزود. با تشدید جنگ سرد بین تهران و واشنگتن، تمایل به وانهادن نام تاریخی خلیج‌فارس، هرچند به کندی، به دیگر بخش‌های دولت فدرال نیز سرایت کرد و شاید به‌عنوان اهرم فشاری علیه ایران مدنظر قرار گرفت. این روند در دولت اوپاما اندکی تشدید شد و در سطوح عالی به استفاده گهگاه از اصطلاح «خلیج» انجامید؛ برای مثال اوپاما در سخنرانی مهم خود خطاب به منطقه در سال ۲۰۰۹ در دانشگاه قاهره، از اصطلاح «خلیج» استفاده کرد. هیلاری کلینتون، وزیر خارجه او نیز در ژوئن ۲۰۰۹ در بیانیه‌ای دیس راس را به‌عنوان مشاور وزارت خارجه در امور «خلیج» و آسیای غربی منصوب کرد. در دولت اوپاما حداقل در دو مورد نیز در سطح معاون سیاسی و نظامی وزارت خارجه آمریکا، در بیانیه‌ای هدف از فروش ۶۰ میلیارد دلار سلاح به عربستان را تحکیم امنیت «خلیج عربی» قلمداد کرد. متأسفانه دولت ترامپ به‌موازات دشمنی حداکثری با ایران، در مقایسه با دولت‌های پیشین آمریکا، ظاهراً استفاده از نام جعلی را در عالی‌ترین سطوح در دستور کار خود قرار داده است. مهم‌ترین تحولات سیاسی و نظامی چهار دهه گذشته، از جمله جنگ تحمیلی، جنگ کویت، حمله آمریکا به عراق و...، بیش از پیش زمینه‌ساز تمرکز فعالیت‌های دیپلماتیک و رسانه‌ای بین‌المللی بر خلیج‌فارس شده و چون کشورهای عربی بیشتر عرصه انجام این فعالیت‌ها بوده‌اند، از خلّال آن تحمیل نام مجعول نیز تسهیل شده است...

ادامه در صفحه ۴

شوق
تحويل روزنامه درب منزل
یا محل کار شما بدون هزینه ارسال
۰۹۵۹۳۰۸۸۲
۰۹۶۴۸۸۱۹۸